

Revisiting and Revitalizing the Principles of Iranian–Islamic Architecture in Residential Building Facades: With Emphasis on Qajar-Era Housing and Housing of the Recent Decade in the City of Qom

1. Zahra Abbasi^{1*}: Department of Architecture, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran.

2. Roxana Abdollahi²: Department of Architecture, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran

*Corresponding Author's Email Address: zahraabbasi@iau.ac.ir

How to Cite: Abbasi, Z., & Abdollahi, R. (2026). Revisiting and Revitalizing the Principles of Iranian–Islamic Architecture in Residential Building Facades: With Emphasis on Qajar-Era Housing and Housing of the Recent Decade in the City of Qom. *Manifestation of Art in Architecture and Urban Engineering*, 4(1), 1-19.

Abstract:

The urban facade constitutes the first perceptual layer of the city, shaping the identity and legibility of the environment and maintaining a direct relationship with citizens' sense of place attachment. The historical houses of Qom, particularly the architectural works of the Qajar period, represent prominent examples of Iranian–Islamic architectural principles, including the observance of privacy, human-scale proportions, the use of indigenous materials, and ornamentation compatible with cultural and climatic conditions. However, the rapid urban expansion and transformations in construction practices during recent decades have led to a decline in harmony with the historical urban fabric and the emergence of visual disorder. This study adopts a mixed-methods approach (quantitative and qualitative) to reinterpret the principles of Iranian–Islamic architecture in historical houses and to examine the extent to which these principles are reflected in the contemporary facades of District 4 of Qom. Data were collected through library-based studies and field surveys and were analyzed using qualitative content analysis. The findings indicate that Qajar-era houses possessed considerable coherence in functional, physical, and semantic dimensions, whereas many contemporary facades lack such harmony, and existing regulations have failed to achieve the expected level of quality. By proposing design and managerial strategies, including the development of comprehensive facade design guidelines, the use of indigenous materials, the enhancement of designers' education, and effective municipal supervision, the study contributes to the revitalization of Iranian–Islamic identity and the improvement of the urban landscape quality in Qom.

Keywords: Iranian–Islamic architecture, Qajar-era housing, housing of the recent decade, contemporary architecture, Qom

Received: 01 September 2025

Revised: 12 January 2026

Accepted: 19 January 2026

Published: 21 March 2026



بازخوانی و احیای اصول معماری ایرانی-اسلامی در نمای ساختمان‌های مسکونی؛ با تأکید بر مسکن دوره قاجار و دهه اخیر در شهر قم

۱. زهرا عباسی^{id*}؛ گروه معماری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

۲. رکسانا عبدالمهی^{id}؛ گروه معماری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: zahraabbasi@iau.ac.ir

نحوه استناددهی: عباسی، زهرا، و عبدالمهی، رکسانا. (۱۴۰۵). بازخوانی و احیای اصول معماری ایرانی-اسلامی در نمای ساختمان‌های مسکونی؛ با تأکید بر مسکن دوره قاجار و دهه اخیر در شهر قم. تجلی هنر در معماری و شهرسازی، ۴(۱)، ۱۹-۱.

چکیده

نمای شهری نخستین لایه ادراکی شهر است که هویت و خوانایی محیط را شکل می‌دهد و ارتباط مستقیمی با حس تعلق شهروندان دارد. خانه‌های تاریخی قم، به‌ویژه آثار دوره قاجار، نمونه‌های شاخصی از اصول معماری ایرانی-اسلامی هستند، اصولی مانند رعایت حریم خصوصی، تناسبات انسانی، استفاده از مصالح بومی و تزئینات متناسب با فرهنگ و اقلیم. با این حال، رشد سریع شهر و تغییر شیوه‌های ساخت‌وساز در دهه‌های اخیر موجب کاهش هماهنگی با بافت تاریخی و بروز آشفتگی بصری شده است. این پژوهش با رویکرد ترکیبی (کمی و کیفی) به بازخوانی اصول معماری ایرانی-اسلامی در خانه‌های تاریخی و بررسی میزان بازتاب آن‌ها در نماهای معاصر منطقه ۴ قم پرداخته است. داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و برداشت میدانی جمع‌آوری شد و با روش تحلیل محتوای کیفی بررسی گردید. نتایج نشان می‌دهد که خانه‌های قاجاری از انسجام قابل توجهی در ابعاد عملکردی، کالبدی و معنایی برخوردار بوده‌اند، در حالی که بسیاری از نماهای معاصر فاقد این هماهنگی‌اند و ضوابط موجود کیفیت مورد انتظار را تأمین نکرده‌اند. پژوهش با ارائه راهکارهای طراحی و مدیریتی، از جمله تدوین دستورالعمل‌های جامع نماسازی، استفاده از مصالح بومی، تقویت آموزش طراحان و نظارت مؤثر شهرداری، به احیای هویت ایرانی-اسلامی و ارتقاء کیفیت سیمای شهری قم کمک می‌کند.

کلیدواژگان: معماری ایرانی/اسلامی، مسکن دوره قاجار، مسکن دهه اخیر، معماری معاصر، شهر قم

تاریخ دریافت: ۱۰ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۲ دی ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۹ دی ۱۴۰۴

تاریخ انتشار: ۱ فروردین ۱۴۰۵



مقدمه

نما و سیمای شهری نخستین لایه‌ای است که هویت کالبدی شهر را بازنمایی می‌کند و پیام‌های بصری اصلی را به شهروندان و بازدیدکنندگان منتقل می‌سازد. نماها به عنوان «چهره شهر»، نقشی تعیین‌کننده در ادراک هویت تاریخی، فرهنگی و اجتماعی شهر دارند و کیفیت آن‌ها می‌تواند احساس تعلق، خوانایی و زیبایی‌شناسی محیط را تقویت یا تضعیف کند. در دهه‌های اخیر، رشد سریع جمعیت، گسترش شهرنشینی، بازسازی‌های پس از جنگ و ساخت‌وسازهای بی‌رویه، موجب تغییرات بنیادین در بافت‌های شهری ایران شده است. در گذشته، خانه‌ها و بناهای شهری نه تنها از نظر زیبایی‌شناسی و تناسب معماری ارزشمند بودند، بلکه با احترام به زمینه و محیط اطراف طراحی و ساخته می‌شدند. با ورود مفاهیم مدرنیته و تغییر نظام ساخت‌وساز، این پیوستگی کالبدی و فرهنگی تا حد زیادی گسسته و کیفیت نماهای شهری در بسیاری از نقاط کشور، از جمله قم، دچار افت شده است. قم به عنوان شهری با پیشینه تاریخی غنی و جایگاه ویژه مذهبی، دارای نمونه‌های ارزشمند خانه‌های تاریخی، به ویژه مربوط به دوره قاجار است. این خانه‌ها واجد اصولی همچون رعایت حریم خصوصی، تناسب انسانی، استفاده از مصالح بومی و بهره‌گیری از تزئینات متناسب با فرهنگ ایرانی-اسلامی هستند که هم‌زمان پاسخ‌گوی نیازهای اقلیمی و اجتماعی بوده‌اند. با این حال، سیمای معاصر برخی مناطق شهر، به خصوص منطقه ۴ که رشد کالبدی سریعی داشته، از این اصول فاصله گرفته و نماهایی با آشفتگی بصری، بی‌هویتی و ناسازگاری با بافت تاریخی پدید آمده است. از سوی دیگر، اگرچه قوانین و ضوابط متعددی در حوزه طراحی نما و سیمای شهری تدوین شده‌اند، در عمل این ضوابط یا کلی‌گویی داشته، یا امکان تفسیر شخصی فراهم آورده‌اند و در بسیاری موارد به ارتقاء کیفیت فضا منجر نشده‌اند. نتیجه چنین شرایطی، کاهش کیفیت بصری، افت حس مکان و از بین رفتن خوانایی منظر شهری است. با توجه به اهمیت هویت ایرانی-اسلامی در معماری و لزوم ارتقاء کیفیت سیما و منظر شهری، این پژوهش می‌کوشد اصول و ارزش‌های معماری ایرانی-اسلامی را در خانه‌های تاریخی قم بازخوانی و با وضعیت موجود منطقه ۴ مقایسه کند تا از رهگذر این تحلیل، راهکارهای طراحی و مدیریتی برای احیای هویت و ارتقاء کیفیت نماهای شهری ارائه دهد. پرسش‌های پژوهش به شرح زیر می‌باشد.

۱. اصول معماری ایرانی-اسلامی در نمای خانه‌های تاریخی قم (دوره قاجار) با چه ویژگی‌هایی متجلی شده‌اند؟

۲. ضوابط و معیارهای کنونی طراحی نما که با تأکید بر اصول معماری ایرانی و اسلامی تهیه شده، تا چه حد توانسته‌اند این اصول را در سیمای معاصر

منطقه ۴ قم بازتاب دهند؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش با بهره‌گیری از رویکردی ترکیبی (کمی و کیفی) با محوریت تحلیل کالبدی انجام شده است. در این رویکرد، داده‌ها از مقالات و اسناد با نگاه تفسیری - تاریخی استخراج می‌شود و هم‌زمان با مطالعات میدانی، تحلیل محتوای کیفی بر مشاهدات کالبدی اعمال می‌گردد. فرآیند پژوهش در سه مرحله طراحی شده است. در مرحله اول، مطالعات اسنادی و نظری صورت گرفت که منجر به ایجاد چارچوب نظری در جدول شماره ۱ شد. سپس مطالعات میدانی و نمونه‌گیری از ۴ خانه قاجاری (با ویژگی‌های فرمی متفاوت) با نمونه‌گیری هدفمند بر اساس معیارهای تنوع در فرم، قرارگیری در نقاط تاریخی شهر، سنجش‌پذیری، قدمت و اصالت بنا، از طریق برداشت کالبدی با نقشه‌های موجود و عکس‌برداری انتخاب گردید. جهت بررسی نمای خانه‌های معاصر، با توجه به ابلاغ آیین‌نامه سیما و منظر شهری بر مبنای معماری ایرانی و اسلامی در سال ۲۰۱۴، محور بلوار سجاد قم و خانه‌هایی که در بازه زمانی ۵ سال اخیر (۲۰۱۹-۲۰۲۵) ساخته شده بودند،

انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفت تا بتوان تأثیر آیین‌نامه‌های جدید را بر این موضوع بررسی کرد. در نهایت، در مرحله سوم، تطبیق داده‌های مستخرج از مبانی نظری با یافته‌های کالبدی با استفاده از جداول تطبیقی صورت پذیرفت. در جهت تأیید روایی داده‌ها، جداول در اختیار ۲۰ دانشجوی معماری در مقطع کارشناسی ارشد که از خانه‌ها بازدید داشتند قرار گرفت و نتایج نمره‌دهی طیفی به هر آیت در جداول ثبت گردید. آنچه افراد از پدیده مورد مطالعه آزموده و تجربه کرده‌اند و توصیف آن به همان نحوی که مورد مواجهه قرار می‌گیرند و تجربه یا لمس می‌شود. در مرحله بعد، به‌منظور تکمیل تحلیل‌های نظری، داده‌هایی از بررسی میدانی گردآوری شد. داده‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی و مقایسه تطبیقی بررسی شده و در نهایت، راهکارهای طراحی، مدیریتی و سیاستی جهت بهبود کیفیت نما و احیای هویت بومی ارائه می‌شود.

مبانی نظری پژوهش

موضوع سیما و منظر شهری از جمله مباحث مورد توجه نظریه‌پردازان طراحی شهری در دهه‌های گذشته بوده است. صاحب‌نظران مختلف با تأکید بر کیفیت‌های بصری، روان‌شناسی ادراک، خوانایی فضا و هویت مکان، معیارهایی برای طراحی مؤثر و پایدار فضاهای شهری ارائه کرده‌اند. هر یک از این نظریات، با تأکید بر ابعاد مختلف ادراک فضا، کیفیت محیط و تعاملات اجتماعی، تلاش دارند چارچوب‌هایی برای ارتقاء کیفیت فضاهای شهری ارائه دهند. جدول زیر گزیده‌ای از دیدگاه‌های برجسته در این حوزه را بر اساس معیارهای سنجش کیفیت بصری دسته‌بندی می‌کند که می‌تواند مبنایی برای استخراج مؤلفه‌های طراحی نما در پژوهش حاضر باشد.

جدول ۱. دسته‌بندی کیفیات بصری ارائه‌شده توسط نظریه‌پردازان منظر شهری (مأخذ: نگارنده با استناد به مراجع داخل جدول).

معیار سنجش	کیفیت	نظریه‌پرداز
محسوریت، فضای مثبت، شکل، بناهای به‌یادماندنی	تعریف فضایی، پویایی بصری، مقیاس انسانی، ترکیب هنری، سیرکولاسیون و نقاط مکث، ادراک تدریجی فضا	کامیلو سیت (۱)
دیدهای پیاپی، مناظر موجود، مناظر در حال نمایان شدن، اینجا و آنجا	حضور فعالیت انسانی در فضا، تضاد نور، رنگ و اندازه، انسجام فضای باز و بسته، سکانس بصری و تغییر پرسپکتیو	گوردون کالین (۲)
در منظر شهری، این معیارها ایجاد فضاهایی است که قابل درک، جذاب و متنوع باشد.	وضوح، پیچیدگی، انسجام، رمز، خوانایی	کاپلان و کاپلان (۳)
قرائت‌پذیری، فرم‌های شهری متباین، به گوش رسیدن آوای گذشته	قرائت میراث فرهنگی	ویولیچ (۴)
عوامل متحرک در شهر (انسان‌ها و فعالیت‌هایشان)، عوامل ثابت جسم شهر (عناصر کالبدی)	راحتی، تنوع، هویت، ارتباط، معنا	کونین لینچ (۵)
بتلی تأکید بر جنبه‌های غیرعملکردی دارد و فضا باید حس مکان، جذابیت بصری و امکان تعامل اجتماعی را تقویت کند.	نفوذپذیری بصری، خوانایی، تنوع (فرم‌ها)، انعطاف‌پذیری، غنا، امکان شخصی‌سازی، سازگاری بصری	بتلی (۶)
محسوریت فضاها، پیوستگی لبه‌ها، کنترل محورهای دید و پرسپکتیوها، امتزاج فضای درون و بیرون	فضای شهری موفق پیوسته، خوانا، دارای هویت، دعوت‌کننده، در مقیاس انسانی، سرزنده، در دسترس، زیبا و پایدار است.	راجر ترانسیک (۷)
بر امنیت، خوانایی، مالکیت‌پذیری و مقیاس انسانی متمرکز است.	حفاظت تاریخی و مرمت شهری، سرزندگی و تنوع استفاده‌ها، محیط‌های فرهنگی، ارزش‌های معمارانه	الیس کلنن (۸)
خوانایی، مقیاس انسانی، توجه به مکان‌ها مقدم بر ساختمان‌ها، فراگرفتن از گذشته و احترام به بافت	به شهرهای انسان‌محور تأکید دارد و تلاش می‌کند تا شهر را به سمت فضای زیبا، پایدار و اجتماعی سوق دهد.	فرانسیس تیبالدز (۹)
حامی کلاسیک، بومی و پایداری	مکان، سلسله‌مراتب، مقیاس، هارمونی، محسوریت	پرنس چارلز (۱۰)

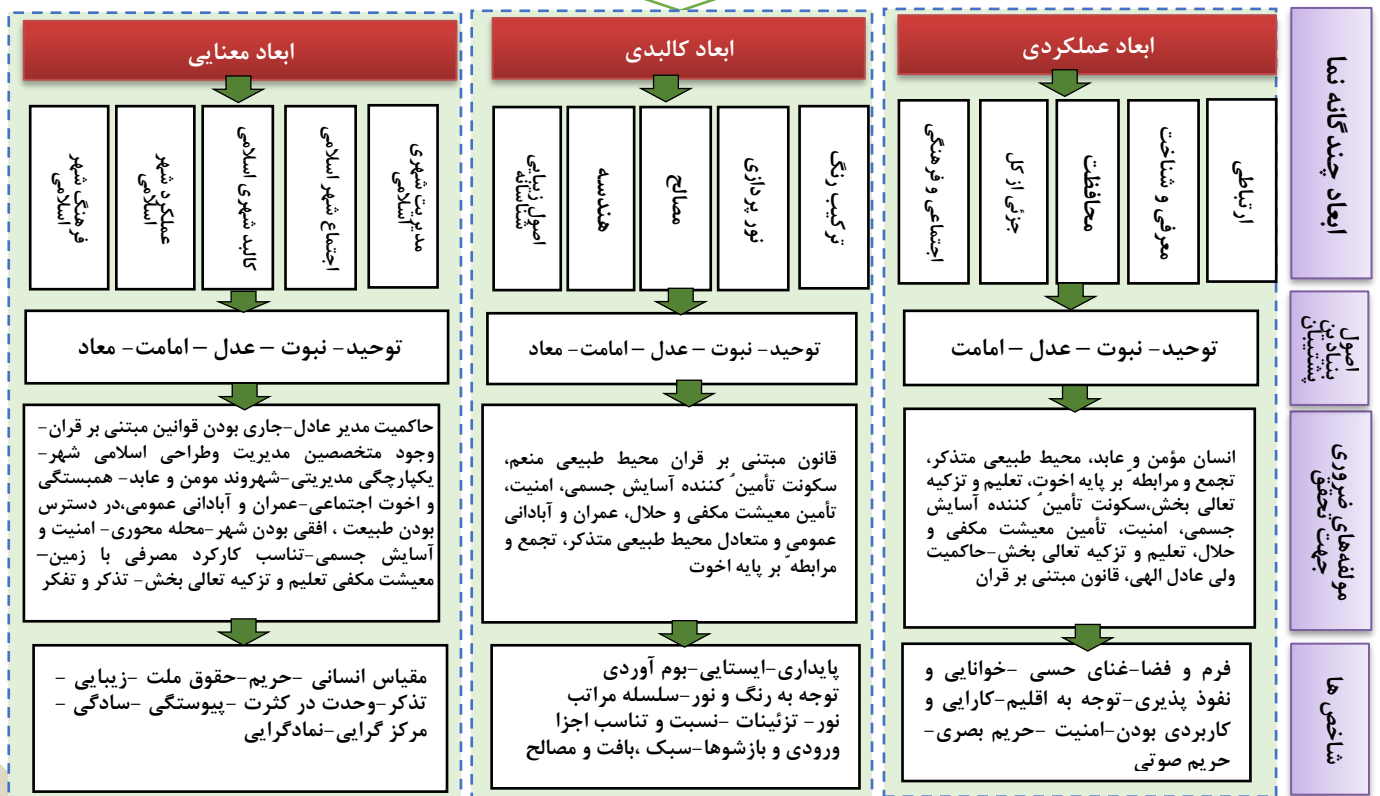
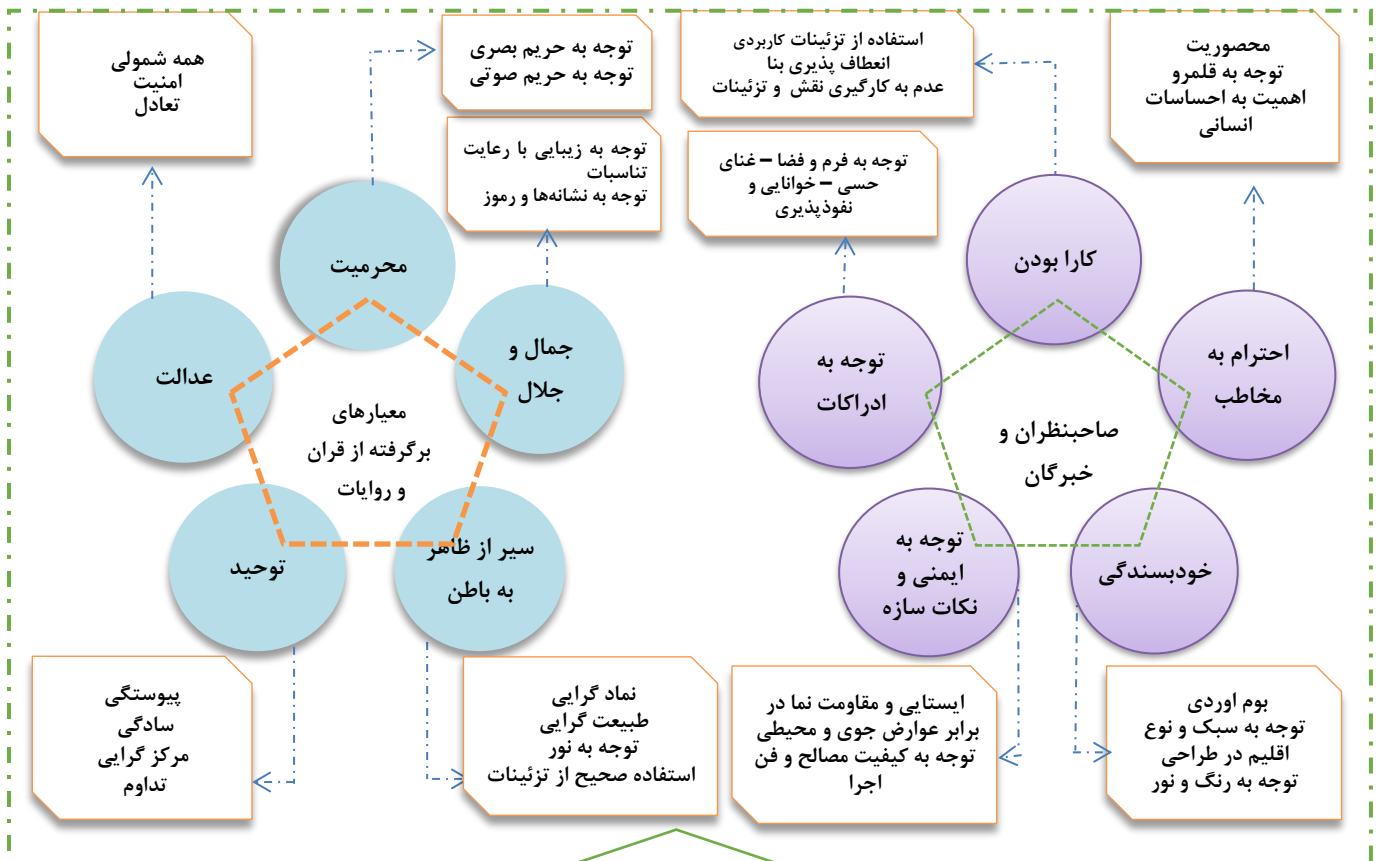
مایکل ساوتورث (11)	ساختار، خوانایی، فرم، دید، منظر، مقیاس انسانی، هویت	بر تجربه عموم از شهر و فضاهای عمومی تأکید دارد.
جونز گرین (12)	شکل شهر تأثیر زیادی بر پایداری زیست‌محیطی، کیفیت زندگی و مصرف انرژی دارد و شهر آینده باید توسعه پایدار و کاهش اثرات زیست‌محیطی را در اولویت قرار دهد.	نظم (انسجام، وضوح، پیوستگی)، هویت (کانون، وحدت، شخصیت)، جذابیت (مقیاس، تناسب بصری، عملکردی، سرزندگی، هارمونی)
برایان گودی (13)	هماهنگی با بستر موجود، تنوع، مقیاس انسانی، امکان شخصی‌سازی، سرزندگی، خوانایی، غنا	بر ادراک فضا، خوانایی شهری و کیفیت بصری محیط شهری تأکید دارد.
هاتن و هانتز (12)	کیفیت زندگی شهری، تعاملات اجتماعی و پایداری	تنوع، تمرکز، مقیاس مناسب، روابط خلاقانه
پاتر و کرومونا (14)	پایداری، قابل دسترسی و منطبق با هویت شهری	خوانایی، منظر عینی شهر، فرم مصنوع، منظر
جک نسر (15)	ادراک انسانی از فضای شهری و اثر آن بر احساسات و رفتارها، طراحی انسان‌محور	محیط‌های مهرانگیز (طبیعی بودن، باز بودن، اهمیت تاریخی، نگهداری، نظم)
کرومونا (14)	کیفیت تنها به طراحی وابسته نیست، بلکه مدیریت، سیاست‌گذاری و فرآیندهای شهری نیز در آن نقش کلیدی دارند. شهرها باید بر اساس اصول پایداری، کارایی، هویت و تعامل اجتماعی طراحی و مدیریت شوند.	تناسبات و ارتباطات، مقیاس بصری، غنا، ریتم و مفصل‌بندی، الگو و ریتم
اوپنگ (16)	طراحی شهری انسان‌محور، پایداری و تنوع بصری حمایت می‌کند و معتقد است که شهرها باید برای مردم طراحی شوند، نه فقط برای خودرو.	مقیاس انسانی، خوانایی، محصوریت، وضوح، نظم

مروری بر دیدگاه‌های مؤثر در استخراج مؤلفه‌های معماری و شهرسازی اسلامی در ارتباط با طراحی نمای ساختمان

معماری و شهرسازی اسلامی در بستر جهان‌بینی توحیدی شکل گرفته و متأثر از منابع اصیل دینی است. قرآن کریم، به‌عنوان نخستین و بنیادی‌ترین منبع هدایت، همواره سرلوحه سبک زندگی مسلمانان بوده و می‌تواند چارچوبی مفهومی برای استخراج اصول معماری و شهرسازی فراهم آورد. این کتاب آسمانی، علاوه بر جنبه‌های اعتقادی و اخلاقی، در آیات متعددی به موضوعاتی همچون آرامش، عدالت فضایی، نظم، زیبایی، همسایگی و هماهنگی با محیط زیست اشاره دارد. بر این اساس، تحلیل و بازخوانی آیات قرآنی گامی اساسی در دستیابی به اصول نظری و مفهومی معماری اسلامی، به‌ویژه در ابعاد فضایی و کالبدی، محسوب می‌شود. در مرتبه دوم، روایات و احادیث معصومان (علیهم‌السلام) به‌منزله تفصیل‌دهنده و مفسر آموزه‌های قرآن، نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین جزئیات سبک زندگی اسلامی و انعکاس آن در معماری ایفا می‌کنند. این متون با تأکید بر ارزش‌هایی چون سادگی، پرهیز از تفاخر و رعایت حقوق همسایگی، چارچوبی روشن برای طراحی و ساخت بناها فراهم آورده‌اند. برای نمونه، در احادیث پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) بر نهی از تجمل‌گرایی در نما، منع ساخت بناهای بلند که به همسایگان آسیب می‌رساند، ضرورت همجواری مطلوب با مسجد و بهره‌گیری از نور و تهویه طبیعی تأکید شده است. به‌عنوان مثال، پیامبر اسلام (ص) استفاده از مجسمه در معماری را نکوهش کرده، امام علی (ع) تفاخر در ساخت بناها را ناپسند دانسته‌اند و امام حسین (ع) با مشاهده خانه‌ای مجلل فرموده‌اند: «گل‌ها را بالا بردند و دین خود را پایین آوردند» (17، 18). چنین آموزه‌هایی نشان می‌دهد که طراحی معماری در نگرش اسلامی نه تنها بعد کالبدی، بلکه ابعاد اخلاقی و اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد. این دو منبع اصیل، یعنی قرآن و روایات، در کنار یکدیگر نظامی فکری - ارزشی را شکل می‌دهند که از طریق آن می‌توان به شاخص‌ها و معیارهای طراحی دست یافت. بدین ترتیب، پیوند میان مبانی نظری دینی و عرصه معماری و شهرسازی برقرار می‌شود. به بیان دیگر، اصول کلی

مطرح شده در قرآن در پرتو روایات به شاخص‌هایی عملیاتی تبدیل شده و قابلیت به کارگیری در طراحی شهری و معماری معاصر را پیدا می‌کنند. از این منظر، طراحی نما تنها به عنوان یک پوشش بیرونی تلقی نمی‌شود، بلکه مرزی فعال میان فضای خصوصی و عمومی و عنصری هویت‌ساز برای شهر است. نما علاوه بر نقش کالبدی و عملکردی، حامل معنا و ارزش‌هایی است که می‌توانند بازتاب‌دهنده هویت دینی و فرهنگی جامعه باشند. در معماری اسلامی، توجه هم‌زمان به این سه بعد، یعنی کالبدی، عملکردی و معنایی، ضامن اثرگذاری مثبت نما در مقیاس شهری است. شهر اسلامی نیز، همچون سایر الگوهای فرهنگی شهر، محصول تعامل متقابل مؤلفه‌های ذهنی، رفتاری و کالبدی است. نخست، ارزش‌ها و جهان‌بینی اسلامی فضای فکری شهر را شکل می‌دهند؛ سپس در قالب قوانین، هنجارها و قواعد اخلاقی به عرصه رفتاری ورود می‌کنند؛ و نهایتاً در ساختار عینی و کالبدی شهر تجلی می‌یابند. از این رو، محیط شهری نه تنها تابع اصول اسلامی است، بلکه یادآور آن‌ها نیز خواهد بود و بستری برای تحقق سبک زندگی اسلامی فراهم می‌سازد. بر همین اساس، ضرورت دارد اصول مستخرج از قرآن و روایات در قالب ساختاری سلسله‌مراتبی بازتعریف شوند تا معیارهای عینی و قابل سنجش برای تحلیل فضایی - کالبدی نما و شهر به دست آید.

معماری ایرانی - اسلامی با ارائه اصولی لایزال می‌تواند همواره به عنوان راهکاری عملی در طراحی شهری و معماری راهگشا باشد و چنین نگرشی به سنت، هرگز سنت و فرهنگ را در چنگال زمان گرفتار نمی‌کند، بلکه بر آن صورتی نو ارائه می‌دهد. به نظر می‌رسد، به کارگیری تفکر مدرنیته در ایران، رویه تولید معماری و فرآیند خلق آن را نادیده گرفت و به تبع نبود فرآیند مناسب یا فرآیند سازگار با این مرزوبوم، هر آنچه تولید شد، نتوانست موفقیت‌چندانی را به دست آورد. با مطالعه روی معیارها و مفاهیم پایه مشخص شد که مبحث نما علاوه بر ابعاد ظاهری، تأثیری عمیق بر روح و روان استفاده‌کننده و ارتقاء حس تعلق او به مکان دارد؛ لذا در صورت طراحی مناسب منظر شهر، می‌توان علاوه بر ارتقاء کیفی جداره‌ها و رفع ناهماهنگی‌های بصری موجود، به ارتقاء سلامت روان جامعه نیز کمک نمود و به صورت غیرمستقیم بر رفتارهای آن‌ها اثر گذاشت. لذا بررسی نما باید با توجه به وجوه چندگانه آن و تأثیر بر نیازهای انسان صورت پذیرد. با توجه به کیفیت‌های محیطی بیان‌شده توسط صاحب‌نظران و مدل‌های پیشنهادی، در ادامه این پژوهش، تحلیلی چندمنظوره برای بررسی دقیق‌تر کیفیت‌ها انجام می‌گیرد تا با دستیابی به مفاهیم مشترک و تطبیق آن با مدل ارائه‌شده، جامع‌ترین مفاهیم مشخص شده و در جهت شناسایی فضاهای مطلوب و تعیین میزان مطلوبیتشان مورد استفاده قرار گیرند.



شکل ۱- ارتباط ابعاد متنوع نما با ضرورت های معماری ایرانی اسلامی در جهت تحقق بخشی به آن هابر اساس شاخص های مآخذ: نگارنده

بررسی سیمای خانه‌های تاریخی و معاصر قم از نظر میزان مطابقت با معیارهای معماری ایرانی اسلامی

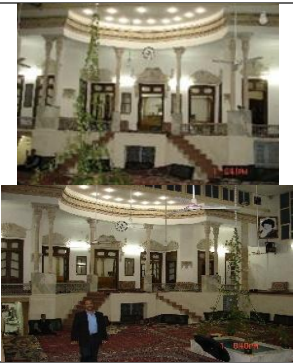
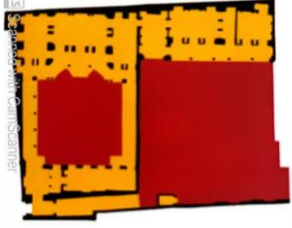
طراحی نمای شهری، به‌ویژه در شهرهایی با پیشینه تاریخی، فرهنگی و مذهبی، از عناصر کلیدی در ارتقای کیفیت بصری و هویتی شهرها به شمار می‌آید. در این میان، شهر قم به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز مذهبی ایران، واجد جایگاهی ویژه از منظر ادراکی، فرهنگی و عملکردی است و ظرفیت بالایی برای بازتاب هویت ایرانی - اسلامی در کالبد شهری دارد. با این حال، در سال‌های اخیر، نماهای شهری قم با چالش‌های متعددی مواجه بوده‌اند؛ از جمله گسست بصری، ناهماهنگی کالبدی، ضعف در انتقال پیام‌های فرهنگی و فقدان زیبایی‌شناسی مبتنی بر اصول معماری بومی. بی‌توجهی به معیارهای کیفی در طراحی نماهای شهری، به‌ویژه در محورهای اصلی و شاخص شهر قم، موجب شکل‌گیری عناصری شده است که نه تنها به بهبود کیفیت بصری شهر کمکی نکرده‌اند، بلکه فرصت‌های بی‌بدیل برای ارتقای هویت شهری را نیز تضعیف کرده‌اند. از سوی دیگر، توسعه نامتوازن و غفلت از الگوهای سنتی و اسلامی، سبب کاهش خوانایی، همبستگی و انسجام در بافت شهری شده است. اگرچه طی سال‌های اخیر آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌هایی در زمینه سامان‌دهی سیما و منظر شهری تدوین و ابلاغ گردیده، اما همچنان کاستی‌هایی در مرحله اجرا و انطباق با زمینه بومی و تحقق واقعی اصول معماری ایرانی - اسلامی مشاهده می‌شود.

این پژوهش با هدف شناسایی آسیب‌های موجود در نمای شهری قم و ارزیابی میزان انطباق آن با اصول معماری ایرانی - اسلامی انجام شده است. برای بررسی عینی این موضوع، دو مقطع زمانی - تاریخی و معاصر - مورد توجه قرار گرفت.

۱. دوران تاریخی (قاجار): چهار خانه شاخص از این دوره، شامل خانه بروجردی (با الگوی چهار بخشی)، خانه زند و خانه یزدان‌پناه (با الگوی سه بخشی) و خانه روحانی (با الگوی دوبخشی) انتخاب شدند. این خانه‌ها نمایانگر دوران طلایی رشد معماری قم در عصر قاجار بوده و قابلیت تحلیل الگوهای سنتی و بومی را دارند.

۲. دوران معاصر: در این بخش، خیابان سجاد واقع در منطقه ۴ قم به عنوان نمونه موردی انتخاب شد. این محور دارای خانه‌هایی با عمر کمتر از ده سال است که طراحی آن‌ها بر اساس آیین‌نامه‌های جدید سیما و منظر شهری انجام شده است. انتخاب این محدوده امکان ارزیابی میزان تحقق معیارهای ایرانی - اسلامی در دستورالعمل‌های جدید را فراهم ساخت.

معیارهای انتخاب این نمونه‌ها شامل تنوع فرمی، قرارگیری در نقاط تاریخی شهر، سنجش‌پذیری، قدمت و اصالت بنا بود و برداشت‌های کالبدی با استفاده از نقشه‌های موجود و عکسبرداری انجام شد. برای بررسی نماهای معاصر، محور بلوار سجاد در منطقه ۴ شهر قم به عنوان نمونه موردی انتخاب گردید. این محور شامل خانه‌هایی است که در پنج سال اخیر (۱۳۹۸-۱۴۰۴) بر اساس آیین‌نامه سیما و منظر شهری با رویکرد معماری ایرانی - اسلامی طراحی و ساخته شده‌اند تا امکان ارزیابی میزان تحقق معیارهای ایرانی - اسلامی در نماهای جدید فراهم شود. یافته‌های میدانی با چارچوب نظری استخراج‌شده تطبیق داده شد و تحلیل‌ها با استفاده از جداول تطبیقی صورت پذیرفت. برای تأیید روایی داده‌ها، جداول در اختیار ۲۰ دانشجوی کارشناسی ارشد معماری که تجربه بازدید از نمونه‌ها را داشتند قرار گرفت و نمره‌دهی طیفی به شاخص‌ها انجام شد. در نهایت، داده‌ها با تحلیل محتوای کیفی و مقایسه تطبیقی بررسی شد و بر اساس آن، راهکارهای طراحی، مدیریتی و سیاستی برای بهبود کیفیت نما و احیای هویت بومی ارائه گردید.

خانه بروجردی		قدمت قاجار (۱۳۱۲)	
			
ویژگی فرمی	مصلح	طبقات	زیرزمین
متقارن، درونگرا - استفاده از فضاهای باز، نیمه باز و بسته - سرون - شمال شرق جنوب غرب (اصفهان‌نی)	در و پنجره چوبی، حیاط اجرختایی، دیوارها آجر، گچ، سنگ	۲ طبقه زیرزمین و همکف (ارتفاع ۷۵/۰ متر از کف حیاط)	دارد
بررسی مولفه‌های معماری ایرانی و اسلامی			
ابعاد عملکردی		ابعاد کالبدی	
شاخص	حرم بصری	فرم و فضا	غنائی حسی
خونلایی و نفوذ پذیری	توجه به اقلیم	کارایی	حرم صوتی
سلسله مراتب	ایستایی	بوم آوردی	توجه به رنگ و نور
نسبت و تناسب اجزا	تزیینات	تذکر	مركز گرائی
نماد گرائی	پيوستگي	وحالت در كرت	حريم
زینایی	حقوق ملت	مقیاس انسانی	
ایجاد ملمع دید و چرخش در ورود از فضاهای عمومی به خصوصی	فرم ساده و در بخش ایوان از فرم هلالی استفاده شده است	استفاده از عناصر طبیعی، رنگ بازی با نور و تنوع مصالح	تفکیک فضا به خصوصی و عمومی و استفاده از مرکزیت در بخش اصلی
مصلح بوم لورد، زیرزمین، سقف ه نسبیا بلند و بدنه زو به نور جنوب	پنخس خنامتی در زیرزمین و فضاهای مسکونی در همکف قرار دارد	فضای اندرونی با فیلتر حیاط و دالان به معبر متصل است	استفاده از فضاهای واسط جهت رسیدن به فضایی اصلی
سازه بازبر و مقادیر	استفاده از آجر و سنگ و خشت و مصالح موجود در شهر قم	قرار گیری در جهه شمال غربی جهت استفاده از نور مطلوب جنوبی	در و پنجره چوبی، حیاط اجرختایی، دیوارها آجر، گچ، پوشش ضری، قیپوش
تناسبات درب‌ها و بازوها به بدنه ۱ به ۲ می‌باشد	آجرکاری، کاشی کاری، حجاری، گچ، بوی	حیاط اندرونی و بیرونی که از طریق دالان و هشتی به معبر متصل است	تأکید بر مرکز با فرم ایوان
استفاده از تکرار در و ستون‌ها و عناصر تزیینی تکرار شوند	استفاده از تکرار در و ستون‌ها و عناصر تزیینی تکرار شوند	تأکید بر مرکز با فرم ایوان	استفاده از نور و آب و تزیینات تأکید بر نماد و نشانه‌های ایرانی و اسلامی دارد
در تزیینات و فرم‌های موجود پیوستگی و یکپارچگی قابل مشاهده است	تنوع موجود در فرم و فضاهای اندرونی و بیرونی وحدت کلی را حفظ کرده	رعایت فضاسازی هلی پلان با ترکیبی از فضاهای باز نیمه باز و بسته	استفاد از فرم‌های ساده و تکررها و ستون‌های سنگی
در و پنجره‌ای و عدم اشراف به همسایه‌ها	رعایت شده است		
۸	۸	۶	۹
۸۰٪	۸۰٪	۶۰	۹۰٪
		٪	۷۸٪
۶	۶	۶	۶
۶۰٪	۶۰٪	۶۰٪	۶۰٪
۹۰٪	۹۰٪	۹۰٪	۹۰٪
۸	۸	۸	۸
۶۰٪	۶۰٪	۶۰٪	۶۰٪
۹۰٪	۹۰٪	۹۰٪	۹۰٪
۷	۷	۷	۷
۷۰٪	۷۰٪	۷۰٪	۷۰٪
۶	۶	۶	۶
۶۰٪	۶۰٪	۶۰٪	۶۰٪
۹	۹	۹	۹
۹۰٪	۹۰٪	۹۰٪	۹۰٪
		٪	٪
۷۸٪	۷۸٪		

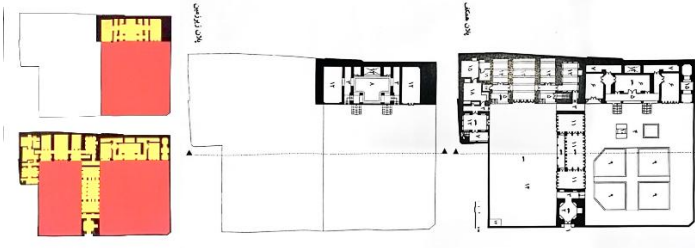
جدول ۳. بررسی مولفه‌های معماری ایرانی اسلامی در خانه یزدان پناه قم

خانه یزدان پناه		قدمت قاجار																																															
																																																	
دسترسی	تزیینات	زیرزمین	طبقات	مصالح	ویژگی فرمی																																												
ورودی هشتی	آجرکاری، کاشی کاری، حجاری، گچ بری نوع قوس ها بیض، کلیل	دارد	۲ طبقه زیرزمین و همکف (ارتفاع ۲/۱ متر از کف حیاط)	در و پنجره چوبی، کف حیاط آجر ختایی، جداره ها از آجر، گچ، سنگ پوشش ها از ضری، قمی پوش	متفان و درونگرا ساختمان در سه جبهه دور حیاط مرکزی قرار گرفته است. رون: شمال شرق جنوب غرب (اصفهانی)																																												
بررسی مولفه های معماری ایرانی و اسلامی																																																	
ابعاد معنایی		ابعاد کالبدی		ابعاد عملکردی																																													
مقیاس انسانی	حقوق ملت	زیبایی	حریم	وحدت در کثرت	پوستگی	نمادگرایی	مرکز گرایی	تأثیر	تزیینات	نسبت و تناسب اجرا	ورودی و بازوها	سبک، بافت و مصالح	توجه به رنگ و نور	پوم آوردی	ایستایی	سلسله مراتب	حریم صوتی	کارایی	توجه به اقلیم	خنثایی و نفوذ پذیری	شانی حسی	فرم و فضا	حریم بصری	شاخص																									
*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*																								
رعایت فضاسازی های پلان با ترکیبی از فضاهای باز نیمه باز و بسته		تزیینات ساده و تناسب بصری در ایوان ها و فضاهای داخلی		درونگرایی و عدم اشراف به همسایه ها		رعایت شده است		تنوع موجود در فرم و فضاهای اندرونی و بیرونی وحدت کلی را حفظ کرده است		در تزیینات و فرم های موجود پوستگی و یکپارچگی قابل مشاهده است		استفاده از نور و آب و تزیینات تأکید بر نماد و نشانه های ایام و اسلام دارد		استفاده از اعداد فرد در تعداد پنجره ها و تأکید بر مرکز		استفاده از تکرار در و ستون ها و عناصر تزیینی تکرار شوند		آجر کاری، کاشی کاری، حجاری، گچ بری		نسبیت درب ها و بازوها به بلندی ۱ به ۲ می باشد		حیاط اندرونی و بیرونی که از طریق دالان و هشتی به معبر متصل است		در و پنجره چوبی، کف حیاط آجر ختایی، دیوارها آجر، گچ، سنگ		علم ورود نور غرب به بنا نشان از دقت طرح داشته		استفاده از آجر و سنگ و خشت و مصالح موجود در شهر قم		سازه بازر و مقاوم		استفاده از فضاهای واسط جهت رسیدن به فضای اصلی		فضای اندرونی با فیلتر حیاط و دالان به معبر متصل است		بخش خدماتی در زیرزمین و فضاهای مسکونی در همکف قرار دارد		نورگیری مطلوب و استفاده از امکانات محیطی در جهت پایداری دیده می شود		ارتفاع کم زیرزمین در این خانه و تنگ فضای اندرونی و بیرونی		استفاده از عناصر طبیعی، رنگ بازی با نور و تنوع مصالح		ترکیب حیاط مرکزی و قرار گیری بنا در ۳ سوی آن می باشد		استفاده از هشتی و چرخش در ورود به فضای خصوصی		راهنما	
۹	۹	۹	۹	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۸	۸	۱۰	۹	۹	۹	۹	۹	نمره																								
۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۸۰	۸۰	۸۰	۸۰	۸۰	۸۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۸۰	۸۰	۱۰۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	درصد																								
۸۳			۸۸			۸۸														۸۸				میانگین																									
۹۰			۹۰			۹۰														۹۰				درصدها																									

جدول ۴. بررسی مولفه‌های معماری ایرانی اسلامی در خانه زند قم

میانگین نمونه		درصد		نوع	راهنبرد	ابعاد معنایی		ابعاد کالبدی		ابعاد عملکردی	
۹۰	۹۰٪	۹	۹۰٪	۹	استفاده از هشتی و چرخش در دالان برای ورود به فضای خصوصی	شاخص	مصادق	توجه به اقلیم	توجه به رنگ و نور	بوم آوردی	خوابش و نفوذ پذیری
۹۰	۹۰٪	۸	۸۰٪	۸	ترکیب حیاط مرکزی و قرار گیری بنا در ۳۰ سوی آن می باشد	حریم بصری	*	کارایی و کاربردی بودن	سبک بافت و مصالح	ایستایی	غشای حسی
۹۰	۹۰٪	۸	۸۰٪	۸	حوض کشکولی و محوطه سبز در کنار عناصر بصری قوی	فرم و فضا	*	حریم صوتی	ورودی و بازوها	سلسله مراتب	غشای حسی
۹۰	۹۰٪	۸	۹۰٪	۹	تاکید بر محور و مرکز فضاها در طراحی ایوان ها	مکان	*	سلسله مراتب	نسبت و تناسب اجزا	ایستایی	غشای حسی
۹۰	۹۰٪	۸	۹۰٪	۹	نورگیری مطلوب و استفاده از بادگیر و سیستم های غیر فعال پایداری محیطی	توجه به اقلیم	*	سلسله مراتب	تزیینات	ایستایی	غشای حسی
۹۰	۹۰٪	۸	۸۰٪	۸	بخش خدماتی در زیرزمین و فضاهای مسکونی در همگفت قرار دارد	کارایی و کاربردی بودن	*	سلسله مراتب	تذکر	ایستایی	غشای حسی
۹۰	۸۰٪	۸	۸۰٪	۸	فضای اندرونی با فیلتر حیاط و دالان به معبر متصل است	حریم صوتی	*	سلسله مراتب	مرکز گرایی	ایستایی	غشای حسی
۹۰	۸۰٪	۸	۸۰٪	۸	دو طرف شاه نشین از راهرو استفاده شده است سلسله مراتب رعایت شده	سلسله مراتب	*	سلسله مراتب	نمادگرایی	ایستایی	غشای حسی
۹۰	۸۰٪	۸	۸۰٪	۸	سازه بازبر و مقاوم	مکان	*	سلسله مراتب	پیوستگی	ایستایی	غشای حسی
۹۰	۹۰٪	۹	۹۰٪	۹	استفاده از آجر و سنگ و خشت و مصالح موجود در شهر قم	حریم	*	سلسله مراتب	وحدت در کثرت	ایستایی	غشای حسی
۹۰	۸۰٪	۸	۸۰٪	۸	ترکیب رنگ ابی کاشی با رنگ آجر	زیبایی	*	سلسله مراتب	حریم	ایستایی	غشای حسی
۹۰	۸۰٪	۸	۸۰٪	۸	در و پنجره چوبی، کف حیاط آجر خشتی، دیوار آجر گچ سبک	حقوق ملت	*	سلسله مراتب	حریم	ایستایی	غشای حسی
۹۰	۸۰٪	۸	۸۰٪	۸	ورود غیر مستقیم از معبر با ورود از هشتی و دالان	مقیاس انسانی	*	سلسله مراتب	حریم	ایستایی	غشای حسی
۹۰	۸۰٪	۸	۸۰٪	۸	تناسبات دریاها و بازوها به پدانه ۱ به ۳ می باشد		*	سلسله مراتب	حریم	ایستایی	غشای حسی
۹۰	۸۰٪	۸	۸۰٪	۸	آجر کاری، کاشی کاری، حجاری، گچ بری		*	سلسله مراتب	حریم	ایستایی	غشای حسی
۹۰	۸۰٪	۸	۸۰٪	۸	استفاده از تکرار در و ستون ها و عناصر تزیینی تکرار شوند		*	سلسله مراتب	حریم	ایستایی	غشای حسی
۹۰	۸۰٪	۸	۸۰٪	۸	استفاده از اعداد فرد در تعداد پنجره ها و تاکید بر مرکز		*	سلسله مراتب	حریم	ایستایی	غشای حسی
۹۰	۸۰٪	۷	۷۰٪	۷	استفاده از نور و آب و تزیینات تاکید بر نماد و نشانه های ایرانی، و اسلامی، دارد		*	سلسله مراتب	حریم	ایستایی	غشای حسی
۹۰	۸۰٪	۷	۷۰٪	۷	در تزیینات و فرم های موجود پیوستگی و یکپارچگی قابل مشاهده است		*	سلسله مراتب	حریم	ایستایی	غشای حسی
۹۰	۸۰٪	۷	۷۰٪	۷	تنوع موجود در فرم و فضاهای اندرونی و بیرونی		*	سلسله مراتب	حریم	ایستایی	غشای حسی
۹۰	۸۰٪	۸	۸۰٪	۸	رعایت فضا سازی های پلان با ترکیبی از فضاهای باز نیمه باز و بسته		*	سلسله مراتب	حریم	ایستایی	غشای حسی
۹۰	۹۰٪	۹	۹۰٪	۹	تزیینات ساده و تناسب بصری در ایوان ها و فضاهای داخلی		*	سلسله مراتب	حریم	ایستایی	غشای حسی
۹۰	۹۰٪	۹	۹۰٪	۹	دورنگرایی و عدم اشراق به همسایه ها		*	سلسله مراتب	حریم	ایستایی	غشای حسی
۹۰	۹۰٪	۹	۹۰٪	۹	رعایت شده است		*	سلسله مراتب	حریم	ایستایی	غشای حسی

جدول ۵. بررسی مولفه‌های معماری ایرانی اسلامی در خانه باقر روحانی قم

قلعت قاجار		حاج باقر روحانی																					
																							
دسترسی	تزئینات	زیرزمین	طبقات	مصالح	ویژگی فرمی																		
ورودی هشتی و دلان	نمای اجری با ازاره سنگی و تزئینات دندان موشی سقف رسمی بندی	دارد	۲ طبقه	آجرکاری-حجاری کج بری، آجر کج سنگ	روشن-شمال غرب جنوب شرقی (راسته-اندازی دو حیاط شرقی و غربی) دو طرفه																		
بررسی مولفه‌های معماری ایرانی و اسلامی																							
ابعاد معنایی		ابعاد کالبدی		ابعاد عملکردی																			
مقیاس انسانی	حرم	وحدت در کثرت	پرسنگی	نمادگرایی	مرکز گرایی	تاکثر	تزئینات	نسبت و تناسب اجزا	ورودی و بازشوها	سیک بافت و مصالح	توجه به رنگ و نور	بوم آزدی	ایستایی	سلسله مراتب	حرم صوری	کارایی و کاربردی بودن	توجه به قلم	خوشنالی و نفوذ پذیری	غضای حسی	فوم و فضا	حرم بصری	شاخص	
*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
رعایت شده است	دورنگرایی و عدم اشراف به همسایه ها	تزئینات ساده و تناسب بصری در ایوان‌ها و فضاهای داخلی	رعایت فضاسازی‌های پلان با ترکیبی از فضاهای باز نیمه باز و بسته	تنوع موجود در فوم و فضاهای لایروزی و تیریزی وحدت کلی را حفظ کرده	در تزئینات و فرمهای موجود پرسنگی و یکپارچگی قابل مشاهده است	استفاده از عناصر عمودی در تکیه به آسان سادگی	استفاده از ابعاد فرد در تعداد پنجره‌ها و تکیه بر مرکز	استفاده از تکرار در و ستون‌ها و عناصر تزئینی تکرار شوند	درجه‌ای و هره چینی نام و یادگیر مفرد و سرستون و پایه ستون چپاری شده	تناسبات درب‌ها و بازشوها به پلنه ۱ به همی باشد	در و پنجره چوبی، کف حیاط آجر خنثی، دیوارها آجر کج سنگ	ترکیب رنگانی کاشی با رنگ آجر	سازه با آذر و مقام	استفاده از آجر و سنگ و مصالح موجود در شهر قم	دو طرف اتاق سه دزدی از راهرو استفاده شده است سلسله مراتب رعایت شده	فضای لایروزی یا فیلتر حیاط و دلان به معبر متصل است	بخش خدماتی در جهه شمال شرقی و فضاهای مسکونی در همگف	استفاده از یادگیر و سیستم‌های غیرفعال پایداری محیطی	تاکید بر محور و مرکز فضاهای در طراحی ایوان ها	فضای دلنشین با معریت دو بخش مجزا آلبستان نشین و زمستان نشین	بناداری دو حیاط و فوم استقرار در دو سوی حیاط می باشد	استفاده از هشتی و چرخش در دلان برای ورود به حیاط غربی	راهبرد
۹۰	۸۰	۸۰	۷۰	۸۰	۸۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۸۰	۸۰	۹۰	۸۰	
۸۳	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	
میانگین درصدا																							

جدول ۶. بررسی مولفه‌های معماری ایرانی اسلامی در خانه‌های بلوار سجاد قم

[illegible]



شکل ۲- در خط آسمان این منطقه کاملاً اضافه طبقه و عدم رعایت قانون مشهود می‌باشد. در طراحی نما نیز استفاده از قوس‌های مراکشی و ستوری ایجاد خطوط عمودی و تزئینات سنگین مصداق‌های اشرافی‌گری و فخر فروشی است عدم رعایت ترازها و امتداد خطوط نما در نبش‌نسترن موجب شده ۳ ملک با وجود نمای فاخر منجر به بروز آشفتگی بصری شوند.

بررسی خانه‌های تاریخی دوره قاجار در شهر قم نشان داد که معیارهای عملکردی، کالبدی و معنایی در این بناها به طور قابل توجهی رعایت شده است. در میان خانه‌های مورد مطالعه، خانه یزدان‌پناه به دلیل پلان متنوع‌تر و ابعاد بزرگ‌تر، بیشترین امتیاز را کسب کرده و بیشترین تأثیر را داشته است. ویژگی‌های خانه‌های قم در مقایسه با نمونه‌های مشابه در اقلیم گرم و خشک تفاوت‌هایی دارد؛ به‌طور مثال، درونگرایی حفظ شده، اما تزئینات ساده‌تر و ارتفاع طبقه اول حدود ۲.۲۰ متر است و زیرزمین در عمق زیادی قرار ندارد (در خانه‌های یزدان‌پناه و طباطبایی ارتفاع طبقه اول بین ۱.۱۰ تا ۱.۵۰ متر است). استفاده از ستون و سرستون در نماها، علاوه بر نقش تزئینی، در خانه‌های یزدان‌پناه و زند به منظور تأکید بر ارتفاع ساختمان‌ها نیز به کار رفته است. معماری مسکونی دوره قاجار در قم حاصل تعامل پیچیده محدودیت‌های اقلیمی، نیازهای امنیتی، ساختار اجتماعی و تحولات جمعیتی است. سازمان فضایی خانه‌ها، استفاده از حیاط مرکزی، ایوان و سلسله‌مراتب فضایی غیرمستقیم، بیانگر رویکردی عملکردمحور و انعطاف‌پذیر در طراحی مسکن شهری است. این الگوها می‌توانند به عنوان نمونه‌های مطالعات تطبیقی در بازسازی یا طراحی معماری معاصر با حفظ هویت فرهنگی و اقلیمی مورد استفاده قرار گیرند. در بررسی نماهای معاصر، محور بلوار سجاد واقع در منطقه ۴ شهر قم به عنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفت. این محور از محله‌های سالاریه و زنبیل‌آباد عبور کرده و مکان‌های مهمی مانند سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری، آموزش و پرورش ناحیه ۴ و معاونت خدمات شهری منطقه ۴ در آن واقع شده‌اند. بلوار سجاد با معابر اصلی مانند شیخ مفید، بلوار نسترن و امام سجاد ارتباط دارد و به دلیل همجواری با دانشگاه مفید و فضای سبز آن، جز مناطق مرغوب و اعیان‌نشین شهر محسوب می‌شود. در این پژوهش، ۵۴ خانه واقع در جداره بلوار مورد ارزیابی قرار گرفتند و داده‌ها با استفاده از پرسشنامه طیفی لیکرت (۱ تا ۱۰) جمع‌آوری شد. نتایج نشان داد که در ساختمان‌های بلوار سجاد، مشکلات متعددی در نما مشاهده می‌شود؛ از جمله عدم پیوستگی خطوط نما، عدم رعایت تراز ارتفاعی طبقه همکف، اختلاف در تعداد طبقات، تنوع

فرم‌های نما، استفاده از المان‌های فرهنگ غربی مانند گنبد و ستوری، اشراف به ابنیه مجاور، عدم رعایت سطح اشغال مجاز، نبود سلسله‌مراتب فضایی و آشفته‌گی بصری ناشی از تاسیسات و شیشه‌های رفleks سبز. این موارد منجر به کاهش کیفیت بصری و تضییع حقوق همسایگان شده است. تطبیق نتایج بلوار سجاد با معیارهای معماری ایرانی و اسلامی نشان داد که ابعاد عملکردی جداره‌ها تنها ۲۵ درصد، ابعاد کالبدی ۳۲ درصد و ابعاد معنایی ۲۲ درصد رعایت شده‌اند. این یافته‌ها حاکی از ضعف شدید در طراحی نماها و عدم پایبندی به اصول معماری ایرانی و اسلامی، حتی پس از ابلاغ آیین‌نامه‌ها، می‌باشد. نتایج این مطالعه می‌تواند مبنای تدوین راهکارهای طراحی، مدیریتی و سیاست‌گذاری جهت بهبود کیفیت نما و احیای هویت بومی در طراحی معماری معاصر شهر قم باشد.

نتیجه‌گیری

بررسی خانه‌های تاریخی قم (دوره قاجار) نشان دادند که اصول معماری ایرانی-اسلامی از جمله درونگرایی، سلسله‌مراتب فضایی، توجه به اقلیم، استفاده از مصالح بومی، تناسب و تزئینات سنتی، حریم خصوصی و غنای حسی به‌طور برجسته رعایت شده است و این اصول هویت و انسجام بصری فضا را تضمین می‌کردند. نماهای معاصر در محور بلوار سجاد با وجود اجرای آیین‌نامه‌های جدید، در ابعاد عملکردی، کالبدی و معنایی به ترتیب تنها ۲۵٪، ۳۲٪ و ۲۲٪ از معیارهای معماری ایرانی-اسلامی را رعایت کرده‌اند. مشکلات عمده شامل اشراف به فضای خصوصی، عدم رعایت سلسله‌مراتب فضایی، آشفته‌گی خطوط نما، استفاده از المان‌های غیر بومی و ناهماهنگی مصالح و ارتفاعات بوده است. این مقایسه نشان می‌دهد که آیین‌نامه‌های موجود به تنهایی قادر به حفظ هویت معماری و ارتقاء کیفیت سیمای شهری نیستند و نیازمند اجرای دقیق، نظارت مستمر و آموزش طراحان هستند. این اسناد به‌طور عمده کلی‌نگر بوده و فاقد معیارهای دقیق، سنجه‌پذیر و قابل اجرایی در سطح محلی هستند. نبود همگرایی میان مفاهیم نظری، اسناد راهبردی و عملکرد میدانی باعث شده تا فرآیند طراحی نما به‌صورت سلیقه‌ای و بدون پشتوانه هویتی انجام پذیرد.

برای احیای هویت ایرانی-اسلامی در نماهای شهری و ارتقاء کیفیت بصری و معنایی، لازم است راهکارهای طراحی، مدیریتی و سیاست‌گذاری شامل: تدوین دستورالعمل‌های جامع و کاربردی نماسازی، استفاده از مصالح و تکنیک‌های بومی، رعایت تناسبات و سلسله‌مراتب فضایی، تقویت آموزش تخصصی طراحان و مهندسان و نظارت مؤثر شهرداری بر اجرای ضوابط اعمال گردد.

بازخوانی اصول معماری ایرانی-اسلامی در طراحی معاصر می‌تواند به ارتقاء هویت مکانی، خوانایی شهر و احساس تعلق شهروندان کمک کند و به‌عنوان راهکاری عملی برای طراحی پایدار و انسانی در شهرهای مذهبی و تاریخی ایران مطرح شود. در این راستا، پیشنهاد می‌شود:

۱- تدوین چک‌لیست‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی مبتنی بر شاخص‌های اسلامی-ایرانی

۲- بازنگری در ضوابط کمیته نما با حضور متخصصان حوزه معماری اسلامی

۳- استفاده از مصالح بومی و هماهنگ با اقلیم

۴- ارتقاء آموزش معماران و نهادهای اجرایی در زمینه طراحی مبتنی بر هویت؛

۵- تقویت ارتباط بین اسناد راهبردی و اجرای پروژه‌های شهری

نتیجه نهایی پژوهش تأکید دارد که تنها از طریق یکپارچگی میان مبانی نظری، مستندات اجرایی و درک صحیح از زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، می‌توان به بازآفرینی منظر شهری اسلامی و ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی در شهرهایی مانند قم دست یافت.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

خلاصه مبسوط

Extended Abstract

Introduction

Urban facades constitute the first perceptual layer through which citizens and visitors encounter the physical, cultural, and historical identity of a city. In cities with strong religious and historical backgrounds, such as Qom, the facade is not merely an architectural surface but a mediator between private life, collective memory, environmental adaptation, and symbolic meaning. Theoretical approaches to urban landscape and visual quality emphasize that successful urban environments must offer legibility, human scale, coherence, diversity, spatial enclosure, continuity, and identity. These qualities have been discussed through concepts such as artistic composition and human scale (1), sequential vision and visual experience (2), clarity, complexity, coherence, mystery, and legibility (3), cultural readability (4), comfort, diversity, identity, connection, and meaning (5), permeability, richness, adaptability, and visual compatibility (6), continuity of urban space and enclosure (7), human-centered urban design and learning from the past (9), place, hierarchy, scale, harmony, and enclosure (10), urban structure and public visual experience (11), order, identity, attractiveness, and sustainability (12), contextual harmony and visual richness

(13), and human-centered, orderly, and legible environments (16). In parallel, Iranian–Islamic architecture derives its principles from a value-based worldview in which privacy, simplicity, neighborly rights, modesty, environmental responsiveness, beauty, hierarchy, and avoidance of ostentation are essential. Islamic textual traditions also discourage excessive display and emphasize ethical restraint in building practice (17, 18). Accordingly, the facade in Iranian–Islamic architecture functions as a meaningful boundary between public and private realms and reflects physical, functional, and semantic dimensions. The present study revisits the principles of Iranian–Islamic architecture in Qajar-era residential facades in Qom and compares them with contemporary residential facades in District 4 of Qom, particularly Boulevard Sajjad, to identify design and managerial strategies for revitalizing local architectural identity.

Methods and Materials

This study used a mixed-methods design with quantitative and qualitative components and a primary emphasis on physical-comparative analysis. The research process was organized in three stages. First, documentary and theoretical studies were conducted to extract a conceptual framework of visual, functional, physical, and semantic criteria related to Iranian–Islamic architecture and urban facade quality. Second, field studies were carried out on selected historical and contemporary residential cases in Qom. Four Qajar-era houses were selected through purposive sampling based on formal diversity, location in historical areas, measurability, age, authenticity, and representativeness. These cases included Boroujerdi House, Yazdanpanah House, Mohammad Zand House, and Haj Baqer Rouhani House. Their physical characteristics were studied through available plans, direct observation, and photography. For the contemporary comparison, Boulevard Sajjad in District 4 of Qom was selected because many of its residential buildings were constructed during the recent decade and after the introduction of facade and urban landscape regulations based on Iranian–Islamic architectural principles. Fifty-four contemporary residential buildings along this axis were evaluated. The analysis focused on indicators grouped into functional, physical, and semantic dimensions, including visual privacy, form and space, sensory richness, legibility and permeability, climate responsiveness, functionality, acoustic privacy, hierarchy, structural stability, use of indigenous materials, color and light, style and material texture, entrances and openings, proportions, ornamentation, remembrance, centrality, symbolism, continuity, unity in plurality, privacy, beauty, public rights, and human scale. To validate the data, comparative tables were submitted to 20 master's students of architecture who had visited the selected buildings, and each item was scored on a 1–10 Likert-type scale. The collected data were then analyzed using qualitative content analysis and comparative interpretation.

Findings

The findings revealed a clear contrast between Qajar-era residential architecture in Qom and contemporary residential facades in Boulevard Sajjad. The Qajar houses showed strong coherence across functional, physical, and semantic dimensions. Boroujerdi House, with its introverted and symmetrical form, open, semi-open, and closed spaces, wooden doors and windows, brick courtyard paving, brick, plaster, and stone walls, two-level organization, basement, vestibule, corridor, inner and outer courtyards, and ornamentation such as brickwork, tilework, stone carving, and plasterwork, achieved 78% in functional indicators, 71% in physical indicators, and 77% in semantic indicators. Yazdanpanah House obtained the highest scores among the historical samples because of its larger dimensions, richer spatial diversity, central courtyard composition, three-sided organization, appropriate orientation, wooden openings, indigenous materials, vestibule entrance, indirect access, climatic responsiveness, and balanced ornamentation. It scored 88% in functional indicators, 88% in physical indicators, and 83% in semantic indicators. Mohammad Zand House also demonstrated a strong alignment with Iranian–Islamic criteria through its introverted three-sided form, central courtyard, vestibule entrance, indirect access, passive climatic strategies, use of brick, plaster, and stone, proportional openings, and symbolic use of light, water, repetition, and centrality. It scored 84% in functional

indicators, 81% in physical indicators, and 80% in semantic indicators. Haj Baqer Rouhani House, with two courtyards, indirect entry through vestibule and corridor, seasonal spatial organization, passive environmental strategies, indigenous materials, proportional openings, and simple decorative elements, scored 85% in functional indicators, 88% in physical indicators, and 83% in semantic indicators.

In contrast, the contemporary residential facades of Boulevard Sajjad showed weak conformity with Iranian–Islamic architectural principles. These buildings were generally five to nine stories high, used stone and brick, had direct entrances to lobbies, and often employed Roman and Moroccan decorative motifs, stone ornaments, pediments, and heavy vertical elements. Their facades showed visual disorder, inconsistent skyline, lack of alignment in facade lines, variations in floor numbers, absence of spatial hierarchy, visual overlooking into private spaces, insufficient attention to climate, use of non-indigenous materials, weak sensory richness, poor symbolic connection with local culture, and inadequate respect for neighborly rights. Although these buildings were structurally stable and functionally adapted to contemporary lifestyles, they failed to reproduce the deeper spatial, cultural, and semantic qualities of Iranian–Islamic architecture. The quantitative scores confirmed this weakness: functional indicators were fulfilled only at 25%, physical indicators at 32%, and semantic indicators at 22%. These results show that contemporary regulations alone have not successfully ensured the translation of Iranian–Islamic principles into actual facade design.

Discussion and Conclusion

The results demonstrate that Qajar-era houses in Qom embodied Iranian–Islamic architectural principles not as superficial decorative motifs but as integrated spatial, functional, environmental, and symbolic systems. Their introversion, hierarchy, indirect access, separation of private and public domains, central courtyards, attention to orientation and climate, use of local materials, proportional openings, simple yet meaningful ornamentation, and human scale created a coherent architectural language. These features protected privacy, enhanced comfort, strengthened identity, and generated a meaningful relationship between the dwelling, the city, and the cultural context. The historical cases therefore provide practical models for contemporary residential design, not through literal imitation, but through reinterpretation of their underlying principles.

The contemporary facades of Boulevard Sajjad reveal a significant rupture between theoretical principles, regulatory documents, and actual construction practice. The use of non-local stylistic elements, especially Roman and Moroccan motifs, shows that facade design has often been reduced to visual display and status expression rather than identity-based architectural composition. The lack of hierarchy, weak attention to privacy, excessive height variation, inconsistent skyline, and poor coordination among adjacent buildings have produced visual disorder and weakened urban legibility. These outcomes indicate that facade regulations remain too general, insufficiently measurable, and weakly supervised at the implementation stage. They also suggest that designers and municipal authorities require clearer operational criteria rooted in local architectural identity, climate, social norms, and urban context.

The study concludes that revitalizing Iranian–Islamic identity in contemporary residential facades requires an integrated strategy combining design, management, education, and policy. Practical facade guidelines should be developed based on measurable indicators such as privacy, human scale, material compatibility, proportional openings, hierarchy, rhythm, skyline continuity, climatic adaptation, and symbolic appropriateness. Municipal supervision should be strengthened, and facade committees should include specialists in Iranian–Islamic architecture. Designers and engineers should receive targeted training in identity-based facade design, and contemporary buildings should use indigenous materials and techniques compatible with Qom's climate and cultural setting. Ultimately, the renewal of Iranian–Islamic architecture in cities such as Qom depends on connecting theoretical foundations, enforceable design regulations, and a grounded understanding of social and cultural context.

Only through this integration can contemporary urban facades enhance place identity, visual quality, urban legibility, and citizens' sense of belonging.

References

1. Sitte C. City planning according to artistic principles. Vienna: Carl Graeser; 1889.
2. Cullen G. The concise townscape. London: The Architectural Press; 1961.
3. Kaplan R, Kaplan S. The experience of nature: A psychological perspective. Cambridge: Cambridge University Press; 1981.
4. Vielich RR. Urban design reading 1983.
5. Lynch K. A theory of good city form. Cambridge, MA: MIT Press; 1981.
6. Bentley I. Responsive environments: A manual for designers. London: Architectural Press; 1985.
7. Trancik R. Finding lost space: Theories of urban design. New York: Van Nostrand Reinhold; 1986.
8. Coleman E. Unknown title. 1987.
9. Tibbalds F. Making people-friendly towns: Improving the public environment in towns and cities. London: Taylor & Francis; 1992.
10. Charles HRHTPoW. A vision of Britain: A personal view of architecture. London: Doubleday; 1989.
11. Southworth M. Theory and practice of contemporary urban design. Journal of Urban Design. 1989;4(1):19-34.
12. Haughton G, Hunter C. Sustainable cities. Oxford: Routledge; 1994.
13. Goodey B. Urban design quality 1993.
14. Punter J, Carmona M. The design dimension of planning: Theory, content and best practice for design policies. London: Routledge; 2003.
15. Nasar JL. The evaluative image of the city. Thousand Oaks, CA: SAGE Publications; 1992.
16. Ewing R. Measuring urban design qualities related to walkability. Journal of Urban Design. 2006;14(1):65-84.
17. Nouri Tabarsi HiM. Mustadrak al-Wasa'il wa Mustanbat al-Masa'il. Qom: Al al-Bayt Institute; 2008.
18. Saduq MBA. Man la yahduru al-faqih. Qom: Islamic Publishing Institute; 1988.